

بینابینی برون و درون

بررسی نقش عنصر رابط باغ‌های شهری در ایران



حشمت‌الله متدین
دکتری تاریخ معماری
عضو هیئت علمی
دانشگاه تهران

SMOTEDAYEN@YAHOO.COM

در باغ‌های شهری ایران بعضاً کوشک‌ها و یا سردرب‌های عظیم، رابط بین شهر و باغ است. استقرار اینگونه باغ‌ها موجب یکپارچه شدن شهر، میدان، باغ و منظر می‌شود. این نوشتار به دنبال تمایل و شیوه استقرار این باغ‌ها در شهر است. اینکه آیا این نحوه قرارگیری ارتباطی با رابطه حکومت و مردم داشته است؟ آیا مفصل شهر و باغ، فضایی اجتماعی و مردمی است یا بنایی مسلط بر میدان و خیابان، تا همچون نسخه‌های اروپایی باعث قدرت نظام حکومتی شود؟ در دوره‌های اولیه اسلام، در دیوان عام قصرهای اموی، بخشی مسلط بر فضای شهری وجود داشت تا محل حضور سلطان و قاضی او در حل مشکلات مردم باشد. اما در ایران، وجود چنین بخشی که از یک سو به شهر و از سوی دیگر به باغ حرم نظر داشته باشد را به قصر «ملکشاه سلجوقی» در میدان کهنه اصفهان نسبت می‌دهند. بعد از آن باید منتظر عهد صفوی و سبک اصفهان بود تا شاهد حضور پر قدرت کوشک‌ها و سردرب‌های عظیم شهری در صحنه سیاسی-اجتماعی شهرها باشیم. سردرب‌های باشکوه کوشک‌ها از این دوره به بعد محل تعامل دولت با مردم است تا فضای درون و برون را به یکدیگر متصل کند. در این مقاله جنبه‌های مختلف استقرار عنصر واسط باغ‌های شهری مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: باغ شهری، کوشک حکومتی، سردرب، کاخ و ایوان، میدان، مردم و حکومت.

کوشک‌های حکومتی - سکونت

«سلطان‌زاده» در تقسیم‌بندی انواع باغ‌ها، یکی از این نمونه‌ها را باغ‌های سکونت - حکومتی می‌داند. عمارت کوشک به جای قرارگیری در مرکز باغ، به حاشیه باغ منتقل و در کنار میدان طراحی می‌شود تا بخش‌های حکومتی از حریم خانه جدا شوند. «در بخشی از شاهنامه، به طراحی کاخی در گوشه‌ای از یک باغ اشاره شده است. به خوبی آشکار است که کاخ را به این سبب در گوشه‌ای از باغ می‌ساخته‌اند که آمد و شد دیوانیان و مراجعه‌کنندگان به کاخ، موجب برهم خوردن آرامش و حرمت حریم بخش سکونتگاهی و اندرونی باغ نشود. شواهدی از وجود این الگو در برخی از دوره‌های تاریخی کشور در متون تاریخی و ادبی وجود دارد» (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۹).

بنابراین، همجواری میدان، باغ، کاخ و ایوان در موارد متعدد را می‌توان ناشی از این الگوی شناخته شده در زمینه طراحی معماری و شهری دانست. باغ «گلشن» در طیس را از نمونه‌های مهم این الگو می‌توان محسوب کرد. عمارت ورودی آن، از یک سو به آبگیر و باغ اندرونی و از سوی دیگر به میدان و مکان حکومتی باز می‌شود (تصویر ۱). در این صورت بخش اندرونی فاقد حصار یا دیوار خاصی است که آن را از بخش داخلی مجزا سازد. به نظر می‌رسد قصر «جهان‌نمای» قزوین را نیز بتوان جزء این گروه برشمرد که بر سردر «میدان اسب» ساخته شده بود. از لحاظ کارکردی، این بخش جنبه دیوانی و تشریفاتی داشته است؛ زیرا استقرار آن در کنار میدان حاکی از ارتباط کارکردی با میدان مذکور بوده که احتمالاً میدانی تشریفاتی و حکومتی در ابتدای استقرار پادشاهان صفوی در قزوین بوده است. در این مواقع از یک طرف عرصه اندرونی از سایر عرصه‌ها کاملاً متمایز می‌شده و حتی دربان یا حاجی را برای نظارت بر آن تعیین می‌کردند و از طرف دیگر بخش پیشین باغ، به سمت شهر، به انجام امور حکومتی تخصیص می‌یافته است.

در شهرهای کوچکی که معمولاً تشکیلات و سازمان‌های اداری و نظامی آن محدود، کوچک یا فاقد ارگ حکومتی و فضاهای اداری بود، غالباً حاکم

یا برخی از رجال مهم شهر در باغی سکونت می‌کردند که علاوه بر عمارت مسکونی آن، عمارتی نیز ساخته و در نظر گرفته می‌شد تا در آن به کارهای حکومتی و اداری اشتغال داشته باشند (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۳۵). این بخش که به آن «عمارت بیرونی» و یا حتی در مواردی «دیوانخانه» می‌گفتند، به نحوی ساخته می‌شد که رفت‌وآمد افراد به آن، در زندگی خانوادگی صاحب باغ اختلالی پدید نیاورد. این باغ‌ها معمولاً کوچک بوده و در داخل یا حاشیه شهر قرار داشت.

کوشک - تشریفات

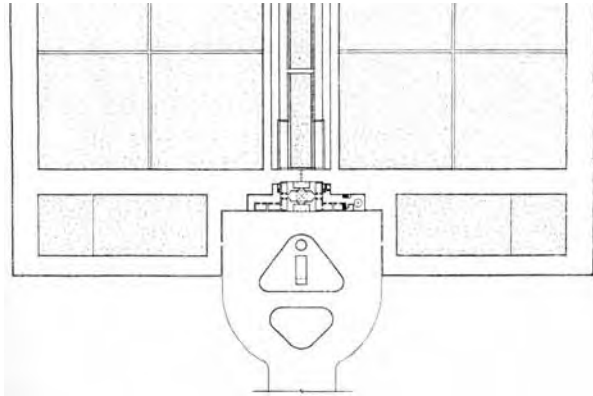
تنها در شمار بسیار اندکی از باغ‌ها، عمارت واقع در فضای ورودی، ممکن بود به عمارتی بزرگ تبدیل شود که محل استقرار و سکونت اصلی باغ باشد. در این حالت این بنا «عمارت سردر» نام داشته و از آن به عنوان ساختمانی دیوانی و حکومتی استفاده می‌کردند. به این ترتیب لازم نبود مراجعه‌کنندگان، به درون عرصه باغ و کوشک اصلی وارد شوند. در نتیجه محرمیت عرصه‌های داخلی به خوبی حفظ شده و عرصه امور دیوانی از عرصه مربوط به سکونت متمایز می‌شد.

در شهرهای مهم در جلوی عمارت دیوانی، سردر فضای ورودی به میدانی حکومتی جهت انجام مراسم رسمی و سان و رژه و تجمعات تشریفاتی و مذهبی تخصیص داشت. در این حالت غالباً در جبهه‌ای از عمارت ایوانی، سردر ایوانی ستون‌دار یا بدون ستون در طبقه دوم قرار داشت تا در هنگام برگزاری مراسم در میدان، به عنوان جایگاه استقرار بزرگان کشوری و لشکری مورد استفاده قرار گیرد (تصویر ۲).

عمارت «عالی‌قاپو» اصفهان که بنای آن موجود است و عمارت «عالی‌قاپو» تهران که اکنون از بین رفته، از نمونه‌های بارز چنین عمارت‌هایی به شمار می‌آیند.

استفاده توأمان از مناظر طبیعی شهر

در پاره‌ای از موارد، سلاطین و مردم می‌توانند به صورت مشترک از مناظر



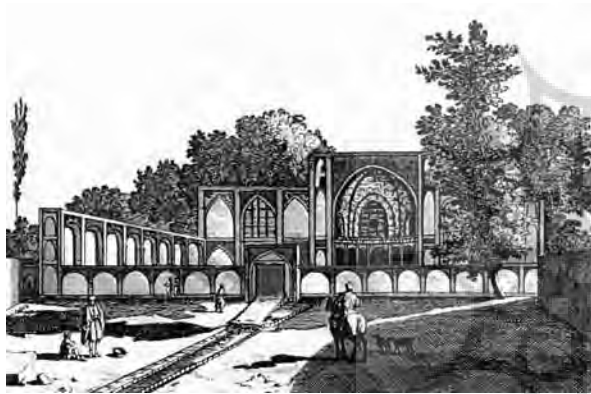
۱: نقشه عمارت سردر و محوطه اطراف باغ «گلشن» طیس، مأخذ: نعیم

طبیعی همچون کوه، دشت و رودخانه در شهر و حاشیه شهر بهره‌مند شوند. بسیاری از شهرهای قدیم ایران در کنار یا دو سوی رودخانه شکل گرفته و توسعه یافتند. در بعضی موارد که باغی در کنار رودخانه ساخته می‌شد، ترجیح بر استقرار عمارت کوشک در کنار رودخانه و یا بر روی پل، به جای درون باغ به دلیل امکان استفاده از منظر رودخانه به بهترین نحو مهیا بود. البته به علل مختلف از این طرح به شکل گسترده در ایران استفاده نشده است و نمونه‌های چندانی از آن برای مطالعه باقی نمانده است. شاید بتوان «کاخ آینه» در اصفهان صفوی و در کنار زاینده‌رود را از این گونه عمارت‌ها به شمار آورد. همچنین کاخ‌های احداث شده بر روی پل مشرف به این باغ نیز در نوع خود منحصر به فرد است؛ سردر باغ تاریخی «ماهان» نیز در این گروه قرار می‌گیرد (تصویر ۳).

«شاهچراغی» می‌نویسد: «نظام معماری باغ ایرانی به آمیختگی نظام کالبدی کاشت، آب، استقرار آبنه، سایه و منظر که منطبق بر نظام ساختار هندسی است، معین می‌کند که شکل‌دهنده فضایی در باغ است: پیوسته، بدون مرز، وسیع یا حسی نامحدود که موجبات فرح‌بخشی و روح‌افزایی انسان حاضر در آن می‌شود» (شاهچراغی، ۱۳۸۹: ۸۷). این تأکید بر پیوستگی فضا موجب می‌شود تا مرز قطعی میان فضاها محو شود و به نوعی فضای بدون مرز پدید آید.^۲

کوشک همچون دروازه به شهر

در مواردی معدود از جمله عمارت «عالی‌قاپو» اصفهان^۳ به عنوان سردر کوشک ورودی به باغ‌های همجوار با «نقش جهان» مواجه می‌شویم. در این حالت عمارت سردر کوشک اهمیت بسیاری پیدا می‌کند و متناسب با برگزاری مراسم و تجمع‌های تشریفاتی، مذهبی و ورزشی، به صورت ترکیبی از ایوان ستون‌دار بزرگ در طبقه فوقانی جلوه‌گر شده است (تصویر ۴). «در حقیقت بناهای سردر، بیرونی باغ یا محل پذیرایی باغ محسوب می‌شدند. گاهی هم به جای سردر، در معمولی بود اما در مقابلش یک پرس بود، یعنی دیواری مشبک که موجب می‌شد داخل باغ از بیرون مستقیماً قابل رؤیت نباشد» (پیرنیا، ۱۳۵۸: ۶).



۲: عمارت سردر یکی از باغ‌های چهارباغ دوره صفویه- اصفهان، مأخذ: نعیم



۳: نمای جنوبی عمارت سردر باغ شازده ماهان، کرمان، مأخذ: www.panoramio.com

کوشک‌های مسلط بر شهر و میدان

در شهرهای اروپایی از عصر رنسانس به بعد با طراحی میدانی مواجه هستیم که فضای آن به سوی عنصری مسلط، جهت داده شده است. در واقع این عنصر مسلط است که در مجموعه فضاهای میدان و اطراف آن ارتباط فضایی بصری را جهت می‌دهد. گردش بصری در چنین میدانی متوجه بنا و یا عناصر مسلط است. در چنین میدانی، چشم‌انداز بناهای محصورکننده و جذبه بصری بنای مسلط، حالتی از کشش فضایی به وجود می‌آورد که ناظر را متوجه بنای مسلط می‌کند (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱: ۳۷). همانطور که گفته شد، عنصر مسلط الزاماً معماری نیست، بلکه می‌تواند ترکیب ساده‌تری به صورت یک تاق، فواره و یا دروازه باشد. عنصر مسلط گاه چشم‌اندازی به شهر دارد. جزیی از فضای مجموعه «کامپیدو» در رم که رو به شهر و میدان دارد از این نوع است.

در ایران قبل از صفوی ابنیه غیرمذهبی مسلط بر شهر دیده نمی‌شود. بنابراین شاید ابنیه عظیمی همچون «عالی‌قاپو» اصفهان و یا «شمس‌العماره» تهران و ... که به میدان و خیابان شهر مسلط است را ادامه این سبک اروپایی بدانیم (تصویر ۵)؛ تا ضمن ایجاد قدرت و تسلط سیاسی، امکان دید به منظر شهری از درون کاخ را مهیا سازد. در زمان قاجار نیز ساخت عمارت‌های چند طبقه همچون کاخ عشرت آباد یا عمارت کلاه فرنگی بندر انزلی مؤید این نظریه است.

کوشک شهری، محل تعاملات اجتماعی

عصر صفوی را می‌توان بدون شک عصر قدرت یافتن میدانی شهری نامید. در این دوره کوشک همچون دروازه‌ای است که باغ حکومتی را به شهر متصل می‌کند. میدان علاوه بر تمامی عملکردهای خود، نقش فضای مشترک عناصر مذهبی، تجاری و حکومتی را نیز بازی می‌کند و آنچنان اهمیتی می‌یابد که به تنهایی جای هر دو را به عنوان تعیین‌کننده شکل و زندگی شهر، بر عهده می‌گیرد و به لحاظ وسعت، همواره در حال بزرگتر شدن است.

«میدان» از این دوره، زنده‌ترین و پویاترین فضای شهر است که همیشه آماده کامل‌تر شدن است. در مسیر این تکامل، میدان «نقش جهان» نمونه بارز آن است که در کنار عملکردهای چندگانه آن، اصلی‌ترین محل اجتماع مردم به مناسبت‌های مختلف نیز بوده است» (برومند، ۱۳۷۴: ۲۳).

مسجد، مدرسه، کاخ حکومتی و بازار به‌عنوان عناصر اصلی ترکیب میدان در مکتب اصفهان است. بعدها پای کوشک‌های قاجار به «سبزه‌میدان»

نیز باز می‌شود که جای میدان‌های عمومی را پر می‌کند تا منظر سبز شهری در آن، مکمل فضای سبز درون باغ باشد. «سبزه‌میدان» فصل مشترک ورود فضاهای گوناگون شهری می‌شود. این میدانی سبز، کارکردی کاملاً سیاسی داشته و حلقه اتصال حکومت با مردم از طریق سردرب‌های قصر حکومتی است. برای نمونه «سبزه میدان» تهران در ایام عاشورا محل انجام امور مذهبی است. سردرب قصر شاهی آن نیز محل شرکت سلطان اطرافیان در مراسم سوگواری و عاملی جهت اتصال به مردم بوده است.

در باغ‌های شهری ایران بعضاً کوشک‌ها و یا سردرب‌های عظیم، رابط بین شهر و باغ است. در دوره‌های اولیه اسلام، در دیوان عام قصرهای اموی، بخشی مسلط بر فضای شهری وجود داشت تا محل حضور سلطان و قاضی او در حل مشکلات مردم باشد. در دوران بعد، در شهرهای مهم در جلوی عمارت دیوانی، سردر فضای ورودی به میدانی حکومتی جهت انجام مراسم رسمی و تجمعات تشریفاتی و مذهبی تخصیص داشت. ابنیه عظیمی همچون «عالی‌قاپو» اصفهان و یا «شمس‌العماره» تهران که به میدان و خیابان شهر مسلط است، در این دسته قرار می‌گیرد.

۴: نقش ایوان ستون‌دار عمارت «عالی‌قاپو» اصفهان در میدان «نقش جهان»، مأخذ: نعیم



فضاهای مرزی باغ و شهر، محل تعاملات اجتماعی و اتصال حکومت و جامعه است. در برخی نمونه‌ها، پای کوشک به «سبزه‌میدان» - یک میدان عمومی - نیز باز می‌شود تا منظر سبز شهری در آن، مکمل فضای سبز درون باغ باشد. «سبزه‌میدان» که فصل مشترک ورود فضاهای گوناگون شهری بوده، کارکردی کاملاً سیاسی داشته و حلقه اتصال حکومت با مردم از طریق سردرهای قصر حکومتی است.

نتیجه‌گیری

پیوستگی، تداخل، تلفیق و بی‌مرزی فضای باغ ایرانی در شهر، به واسطه رابطه بصری، حسی و اصولاً ویژگی کالبدی باغ و قرارگیری بناهای رابط باغ و شهر، ایجاد می‌شوند. در این حالت فضاهای مرزی باغ و شهر، محل تعاملات اجتماعی و اتصال حکومت و جامعه خواهد بود. حضور اسلام با عناصری از قبیل مسجد در شهر، اهمیت میداین و فضاهای باز شهری را بیشتر کرد. فضاهایی که از یک سو به مسجد جامع و از سوی دیگر به بازار و قصر مسلط شهر تعلق دارند، محلی برای حضور قدرت حکومت می‌شوند. با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و مذهبی، گاه این کوشک‌های حاشیه‌ای، محلی برای حل مشکلات مردم است. در دوره‌ای دیگر، فضایی مسلط بر شهر و میدان و خیابان پدید آمد که می‌توانست گاه محل تعاملات مردمی و شاید رویارویی حکومت و مردم باشد.

پی‌نوشت

- ۱- بنابراین گوناگونی عرصه‌های مختلف باغ ایرانی، قدمتی چند هزار ساله دارد.
- ۲- فرم L شکل جلوی باغ یا جلوخان باغ در این مواقع محل حضور مردم و ارتباط آنها با حاکم است.
- ۳- در باغ «ماهان»، این سردر فضای باغ را قطع نمی‌کند؛ بلکه دید انسان از آن عبور کرده و به دیگر فضاهای بیرون باغ می‌پیوندد.
- ۴- «عالی قاپو» در زبان آذری به معنای «درب بزرگ» یا «دروازه» است.
- ۵- این ویژگی در میدان «پوپولری» رم دیده می‌شود که دسترسی اصلی به میدان در محور دروازه قرار می‌گیرد.
- ۶- اصولاً در فرهنگ سنتی شهرهای ایران با دو نوع اصلی میدان مواجه هستیم: میداین محلی و میداین رسمی - تشریفاتی. عمومی‌ترین و مردمی‌ترین فضاها، بازارها و میداین محله‌ای یا میدان‌های ارگ و میدان اصلی شهر بود که بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و در خدمت نمادهای حکومتی و مسئولین شهر قرار داشت. همچنین در این فضاها تظاهرات اجتماعی - اقتصادی در هم می‌آمیزد.

منابع

- برومند، اسفندیار (۱۳۷۴) *میدان فضای گمشده در شهرسازی امروزی ایران*، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی، به، جلد ۲، ص ۲۴-۱۸.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۵۸) *باغ‌های ایرانی*، مجله آبادی، سال چهارم، شماره پانزدهم.
- توسلی، محمود و بنیادی، ناصر (۱۳۷۱) *طراحی فضای شهری*، مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- دانشدوست، یعقوب (۱۳۶۹) *طیس، شهری که بود*، انتشارات سروش، تهران.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۸) *تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج‌محل هفتد، دفتر پژوهش‌های فرهنگی*، تهران.
- شاهچراغی، آزاده (۱۳۸۹) *یارادایم‌های پردیس*، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- نعیم، غلامرضا (۱۳۸۵) *باغ‌های ایران*، انتشارات پیام، تهران.

۵: تسلط به منظر شهری از بنای «شمس‌العماره» تهران، مأخذ: نعیم

